

تکبر، مانعی برای تفکر و تسلیم



در این شماره می خوانیم:

بهره مندی دنیایی؛ یا عذاب پنهان

مراتب تقوی در کلام شیخ ناظم العقیلی

سفارشات کاربردی و مهم از امام احمد الحسن (علیه السلام) در
زمینه تربیت فرزند

یادآور می شوم که حبّ نفس و تکبر، آفتی اخلاقی است که بسیاری از
انسان ها را هلاک و به هاویّه جهنّم سوق می دهد و چه بسیار شیطان
و عده اش را برای گمراه کردن بنی آدم از طریق تکبر عملی می سازد!
در بسیاری موارد، تکبر، عامل اصلی روی گردانی مردم از اطاعت و تأیید
پیامبران (علیهم السلام) است. بیشتر کسانی که نسبت به پیامبران و اوصیا (علیهم السلام)
تکبر می ورزند، ثروتمندان، مرفهان و بزرگان قوم اند.

سید احمد الحسن (علیه السلام)، کتاب سرگردانی یا راه به سوی خودا، مبحث سرگردانی بنی اسرائیل



سید احمد الحسن کیست؟

سید احمد الحسن، فرزند سید اسماعیل، فرزند سید صالح، فرزند سید حسین، فرزند سید سلمان، فرزند امام محمد بن الحسن العسکری است. ایشان وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام است و برای هدایت و زمینه سازی ظهور مقدس مبعوث شده است. همان یمانی موعود، برای شیعیان و همان مهدی متولد شده در آخر الزمان نزد اهل سنت که رسول الله صلی الله علیه و آله بشارت تولد ایشان را داده اند و نیز فرستاده ای از سوی حضرت عیسی علیه السلام و حضرت ایلیا علیه السلام برای مسیحیان و یهودیان است. ایشان دعوت الهی خویش را به دستور پدر بزرگوارش امام مهدی علیه السلام، در سال ۱۹۹۹ در نجف اشرف، پایتخت دولت عدل الهی آغاز نمودند و از آنجا دعوت امام مهدی همچون دعوت رسول الله به همه جهان انتشار یافت. سید احمد الحسن علیه السلام برای اثبات حقانیت خویش، به قانون معرفت حجت های الهی احتجاج می کنند: این قانون از سه اصل تشکیل می شود:

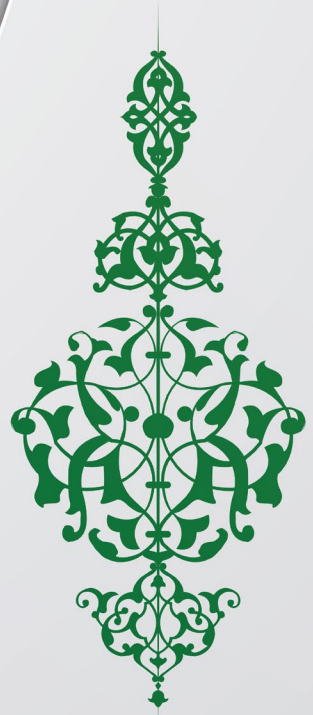
۱. نص الهی؛ یعنی وصیت شب وفات رسول الله صلی الله علیه و آله را مطرح کرده اند و نام مبارک احمد به عنوان مهدی اول در آن ذکر شده است.
۲. علم و حکمتی که برای هدایت همه مردم ارائه داده و با آن، همه علمای ادیان و بزرگان الحاد را به تحدی فراخوانده اند.
۳. پرچم البیعة لله (دعوت به حاکمیت خدا)

ایشان یکی از اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در وصیت آن حضرت در زمان وفاتش به وی تصریح شده است: از اباعبدالله جعفر بن محمد از پدرش امام باقر از پدرش صاحب پینه ها زین العابدین از پدرش حسین زکی شهید از پدرش امیر المؤمنین علیه السلام که فرمود: «... ای ابالحسن، صحیفه و دواتی حاضر کن؛ و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وصیتش را املا فرمود تا به اینجا رسید که فرمود: ای علی، پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آن ها دوازده مهدی. ای علی، تو نخستین دوازده امام هستی... و ایشان دوازده امام اند و سپس دوازده مهدی خواهد بود... پس اگر زمان وفاتش رسید، آن را [خلافت] به فرزندش، نخستین مهدیین تسلیم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان آورندگان است.»

پرسش و پاسخ

فهرست

- ۳..... بهره مندی دنیایی؛ یا عذابِ پنهان.....
- ۶..... چرانی توان از روی ظاهر جسمانی پی به حقانیت فرستاده برد؟...
- ۹..... بخشی از سخنرانی شیخ ناظم العقیلی در شب بیستم ماه رمضان..
- راهکارهای امرونی کودک در کلام اهل بیت (علیهم السلام) و فرستاده امام
مهدی سید احمد الحسن (علیه السلام)..... ۱۲
- ۱۴..... جدول.....
- ۱۶..... واجبات رکنی نماز.....
- ۱۸..... حُسنِ تمامِ انبیا.....



هفته نامه زمان ظهور

هفته نامه زمان ظهور، شماره ۱۰۲، جمعه ۱۸
تیر ۱۴۰۰، ۲۸ ذوالقعدة ۱۴۴۲، ۹ ژوئیه ۲۰۲۱
صاحب امتیاز: مؤسسه وارثین ملکوت

راههای ارتباطی:

www.zamanezohoor.com



هر گونه برداشت از هفته نامه با ذکر منبع بلامانع است.

زمان ظهور منتظر دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات
سازنده شما عزیزان است.

الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام
على محمد وآله الطاهرين

بهره مندی دنیایی؛ یا عذاب پنهان

﴿فَهُوَ اسْتَدْرَاجٌ لَّكَ﴾.

«اگر مشاهده کردی، با وجود معصیت، غرق در نعمتی، بدان گرفتار استدراج شدی.»
(غرر الحکم، فصل خامس، مواعظ للحکام، شماره ۷۸۴۹۳؛ کافی جلد ص ۴۵۲)
و در روایتی دیگر:

از سماعة بن مهران نقل شده است که گفت: از امام صادق علیه السلام درباره این سخن خدای تبارک و تعالی: «سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ» پرسیدم. فرمودند: «استدراج عبارت است از این که بنده مرتکب گناه می شود و همراه آن، نعمت نیز به وی داده می شود و این نعمت، او را از استغفار از آن گناه باز می دارد.» (کافی جلد ۲ ص ۴۵۲)

همان طور که در کلام گهربار امام صادق علیه السلام ملاحظه می شود، مستی بهره مندی از نعمت های فراوان دنیا موجب فراموشی استغفار از گناه می شود و در نتیجه انسان، برای انجام گناهان بیشتر ترغیب می شود.

و اینجاست که بنده از خدا دور شده و نه تنها خدا را بلکه خود را نیز فراموش می کند:

﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾

...از آن کسان مباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز چنان کرد تا خود را فراموش کنند. ایشان نافرمان اند. (حشر، ۱۹)

و این عذابی بس دردناک تر از عذاب های قهری است که در ابتدای سخن به آن ها اشاره شد؛ چراکه با وقوع

﴿وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ. وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ﴾

و آنان را که آیات ما را دروغ انگاشتند، از راهی که خود نمی دانند به تدریج خوارشان می سازیم. و به آن ها مهلت دهم، که تدبیر من استوار است. (اعراف، ۱۸۲ و ۱۸۳)

هنگامی که موضوع عذاب مطرح می شود، معمولاً بروز عوامل قهری و طبیعی همچون سیل، زلزله، آتش فشان، یا بیماری های فراگیر به ذهن خطور می کند و کمتر کسی تصور می کند گاهی عذاب خداوند در قالب نعمت های فراوان دنیا، از قبیل ثروت، جاه و مقام و شهرت به سراغ انسان می آید و حال آنکه او در غفلتی ظلمانی به سر می برد؛ بلکه هر دم بیشتر و بیشتر در این ورطه فرو می رود.

آیات ۱۸۲ و ۱۸۳ سوره مبارکه اعراف اشاره به مکرری خفی از جانب خدای متعال دارد و آن سنت (استدراج) است.

بدین معنی که خداوند برخی بندگان گنهکار را به تدریج درگیر نعمت های دنیوی می کند و بنده در مواجهه با این نعمت ها بدون اینکه علت فزونی نعمت را بداند، آن را حاصل درایت و توانمندی خود پنداشته و به تدریج بُتِ منیت او بزرگ و بزرگ تر گشته و به همین میزان از خداوند دور می شود.

در ارتباط با سنت استدراج، امام علی علیه السلام می فرمایند: «إِذَا رَأَيْتَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يُتَابِعُ عَلَيْكَ النِّعَمَ مَعَ الْمَعَاصِي»

سید احمد الحسن علیه السلام:

خدا، حضرت ابراهیم علیه السلام را از آن رو که رؤیا را تصدیق کرده، می ستاید و مریم علیها السلام را نیز به همین

دلیل مدح می گوید، چراکه او رؤیا را تصدیق کرده است. همچنین یوسف علیه السلام راستوده، چون رؤیا

را تصدیق و تأویل کرده است.

((مشابهات، جلد ۴، ص ۱۴۵))

يَا ابنِ عمران، إِذَا رَأَيْتَ الْغَنَى مُقْبِلًا فَقُلْ: ذَنْبٌ عَاجِلٌ عُقُوبَتُهُ (ای فرزند عمران! آن هنگام که دیدی بی نیازی به تو روی آورد، بگو گناهی است که عقوبتش نزدیک شده است).

این چنین در غفلت همیشگی به سر می برند و گمان می کنند دنیایی که به آن ها رو کرده است، پاداش آنان، و این نعمت و آسایش، حاصل دسترنجشان است؛ ولی در واقع نسیم پیش از طوفان و گناهی است که عقوبتش فرارسیده است!

سید احمد الحسن علیه السلام در کتاب در محضر عبد صالح جلد اول درباره گرفتاری انسان در مواجهه با لذت های فرینده دنیا نیز می فرماید:

«...هرکس خدا را گم کند و او را به طور کامل نشناسد، هیچ چیزی نخواهد یافت و در واقع همه چیز را از کف داده است. تمام کره زمین با هرچه در آن است، فقر چنین انسانی را برطرف نمی سازد؛ زیرا وی به واقع، فقیر شده است.

شما می بینی هر انسان به مقدار جهلی که نسبت به خداوند دارد، نوعی احساس فقر و نقص همیشگی دارد که به دلیل معرفت نداشتن نسبت به خدا، برای برطرف کردن آن نیز چیزی جز ماده (امور مادی) نمی یابد. ماده (امور مادی) در حقیقت حکایت همان آب شوری است که تشنگی آشامنده را بیشتر می کند و

آن عذاب ها چه بسا رشته عمر انسان قطع شود و دیگر مجالی برای افزودن به بار گناه خود نداشته باشد و از طرفی اگر زنده بماند و جان سالم به در برد ممکن است در اثر شدت مصائب و رنج ها به خود بیاید و به سوی پروردگار بازگردد و راه توبه پیش گیرد.

اما در استدراج، خداوند به بنده گنهکار خود مهلت می دهد، نه فرصتی برای توبه و استغفار؛ بلکه مهلت برای افزودن توشه گناه خود.

سید احمد الحسن علیه السلام وصی و فرستاده امام مهدی عج در این خصوص در کتاب روشنگری هایی از دعوت های فرستادگان جلد دوم می فرمایند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
مِفْتَاحَنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابُ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ

(درب های هر چیزی را به رویشان گشودیم تا از آنچه یافته بودند شادمان گشتند؛ پس به ناگاه فرو گرفتیمشان و همگان نومید شدند). (انعام، ۴۴)

شروع عذاب، روکردن دنیا به اهلش که فرستادگان را تکذیب کرده اند است.

بدون اینکه نسبت به وضعیت ننگ آورشان تفکر و تعقلی داشته باشند؛ در حالی که زیر سایه طاغون اشغالگر مسلط ناتوان شده اند و گویا این حدیث قدسی را ننشیده اند:



سید احمد الحسن علیه السلام:

بیشتر مردم حقیقت رؤیا را و اینکه وحی از جانب خدای سبحان و متعال است، منکر می شوند و این از آن روست که نفس خبیث آن ها، خدای سبحان و متعال را انکار می کند و به او ایمان ندارد؛ ولی آن ها خود، نمی دانند.

(متشابهات، جلد ۴، س ۱۴۵)



لذت دنیا دوری از آخرت است

دنیا و آخرت در دو سوی یک خط قرار دارند؛ هرچه به دنیا نزدیک شویم، از آخرت دور شده ایم و برعکس. پس از این منظر هم غوطه ور شدن در مادیات، عذاب بزرگی است؛ چون بهای آن از دست دادن آخرتی نیکوست:

سید احمد الحسن علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه در کتاب متشابهاً، پرسش ۱۶۵ می فرماید:

«دنیا و آخرت دو مسیر متفاوت اند؛ این، رو به مشرق دارد و آن، رو به مغرب. کسی که به یکی روی آورد، دیگری را پشت سر خود نهاده است؛ و این دو در چشم انسان و در قلب انسان با هم جمع نمی شوند. حب و دوستی دنیا و حب آخرت در قلب انسان جمع نمی شوند؛ و چگونه با هم جمع شوند حال آنکه به خدا سوگند دنیا در نظر خداوند به اندازه بال پشه ای ارزش ندارد که اگر برای او قدر و قیمتی داشت، کافر در آن جرعه آبی نمی نوشید؛ و چگونه چنین باشد حال آنکه خداوند از وقتی که عالم اجسام را آفریده به آن نگاه نینداخته است؟ و چگونه... و چگونه...»

اما ناامید نباید بود؛ چرا که راه توبه همیشه باز است و درهای رحمت ایزدی به روی بندگان گنهکار، گشاده:

﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾

بگو: ای بندگان من که بر زیان خویش اسراف کرده اید، از رحمت خدا مأیوس مشوید. زیرا خدا همه گناهان را می آمرزد. اوست آمرزنده و مهربان. (زمر، ۵۳)

با امید به اینکه همه ما توفیق توبه و بازگشت به درگاه احدیت را داشته باشیم.

هرگز او را سیراب نمی گردانند...»

آری سید یمانی علیه السلام چه تعبیر زیبایی برای دنیا آورده اند؛ "آب شور" که هرچه از آن بنوشی تشنه تر و حریص تر می شوی.

امیرالمومنین علیه السلام نیز در وصف فریب کاری دنیا می فرماید:

«دنیا می فریبد و زیان می رساند و می گذرد. خدای تعالی راضی نشده است که دنیا را پاداش دوستان خود و کیفر دشمنانش قرار دهد.» (حکمت ۴۱۵)

«مبادا آنچه فریفتگان را می فریبد، شما را بفریبد؛ زیرا نعمت های فریبنده (دنیا) چون سایه ای است که تا زمان معینی پهن است.» (خطبه ۸۹)

دنیا سرای غرور

از آنچه گفته شد مشخص گردید که عذاب تدریجی خداوند، انسان گناهکار را در دام دنیای فریبکار غرق می کند. تعبیر دیگر این نوع عذاب این است، بنده ای که مستوجب این نوع عذاب شده، مشغول تناول از میوه های درخت دنیای پست مادی می شود؛ درختی که میوه هایش غرور، منیت، غفلت و... هستند.

سید احمد الحسن علیه السلام در کتاب سرگردانی برخی علل نافرمانی بنی اسرائیل از حضرت موسی علیه السلام را چنین بیان می کنند:

«یادآور می شوم که حب نفس و تکبر، آفتی اخلاقی است که بسیاری از انسان ها را هلاک و به هاویه جهنم سوق می دهد و چه بسیار شیطان وعده اش برای گمراه کردن بنی آدم را از طریق تکبر، عملی می سازد! در بسیاری موارد، تکبر، عامل اصلی روی گردانی مردم از اطاعت و تأیید پیامبران علیهم السلام است.

بیشتر کسانی که نسبت به پیامبران و اوصیای علیهم السلام تکبر می ورنند، ثروتمندان، مرفهان و بزرگان قوم اند.»

سید احمد الحسن علیه السلام:

رؤیا، راهی است که خدا با آن، با همه بندگان و با پیامبران و فرستادگانش، و با دوستان و دشمنانش، چه مؤمن و چه کافر سخن می گوید. (متشابهاً، جلد ۴، س ۱۴۵)



نکاتی در اثبات گمراهی دشمنان فرستادگان الهی

چرا نمی توان از روی ظاهر جسمانی پی به حقانیت فرستاده برد؟

با مخالفان را بنگرند؛ اما چنین نمی کنند؛ چرا که به ضررشان است و چیزی در دست ندارند جز معادله ای باطل!

زیبایی مبهوت کننده آدم؟!

آن ها اگر در زمان آدم علیه السلام بودند قطعاً به او ایمان نمی آوردند؛ چرا که آنان به دنبال فرستاده ای هستند که آن قدر زیبا باشد که از زیبایی او مبهوت شده و خود را مجبور به ایمان کنند! امام علی علیه السلام فرمودند:

«اگر خدا می خواست می توانست آدم را از نوری بیافریند که روشنایی اش دیده ها را برپاید و زیبایی و جمالش عقول را مبهوت کند و عطرش شامه ها را مسخر سازد و اگر چنین می کرد گردن ها در برابر آدم خاضع می شد و آزمایش برای فرشتگان بسیار آسان بود؛ ولی خدای سبحان خلق خود را با اموری می آزماید که از فلسفه آن آگاهی ندارند تا ممتاز گردند و تکبر را از آنان بزایند و آن ها را از کبر و غرور دور سازد؛ بنابراین، از کاری که خدا با ابلیس کرد عبرت بگیرید؛ زیرا اعمال طولانی و کوشش های بسیارش را بر

ابلیس، اولین قیاس کننده

معاندان می خواهند از روی ظاهر قیاس و قضاوت کنند! اما آیا نمی دانند اولین عالم بی عمل نیز با شبیه چنین عمل بی خردانه ای، خلیفه خدا آدم علیه السلام را رد کرد؟! یعنی قضاوت ظاهری!

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«إِنَّ إِبْلِيسَ قَاسَ نَفْسَهُ بِآدَمَ (عليه السلام) فَقَالَ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ فَلَوْ قَاسَ الْجَوْهَرُ الَّذِي خَلَقَ اللَّهُ مِنْهُ آدَمَ (عليه السلام) بِالنَّارِ كَانَ ذَلِكَ أَكْثَرَ نُورًا وَضِيَاءً مِنَ النَّارِ.»

«همانا ابلیس خود را با آدم مقایسه کرد و گفت مرا از آتش آفریدی و او را از گل. و اگر جوهری را که خدای عزوجل آدم را از آن آفریده است با آتش مقایسه می کرد، به این نتیجه می رسید که نور و درخشش آن جوهر، از آتش بیشتر است.» (بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۱۴۷)

دقت کنید شبیه به چنین قیاسی را در بین معاندین نیز مشاهده کنیم؛ آنان می توانند پاکی و اخلاق حسنه احمدالحسن و اهتمام ایشان به کمک به فقرا و ایتم و مهربانی ایشان حتی

همیشه وقتی پست های معاندین را مشاهده می کنیم، قرابتی را نه با قرآن و نه با عترت علیهم السلام نمی توانیم پیدا کنیم. آن ها با گفتار و استدلال های همانند کف دریای خود، بر عظمت و حقانیت این دعوت صحه می گذارند و این حقیقت را خود نمی فهمند اما صاحبان عقل و اندیشه متوجه می شوند.

در این نوشتار به یکی از اشکالات آن ها خواهیم پرداخت و سپس قضاوت را بر عهده شما خواهیم گذاشت.

قضاوت از روی ظاهر

شاید دیده اید کسانی که خود را شیعه و مسلمان می پندارند از تصاویری که در اینترنت موجود است جهت انتساب به امام احمدالحسن علیه السلام و صبی و رسول امام مهدی علیه السلام استفاده می کنند. گرچه ما این تصاویر را نه رد و نه تأیید می کنیم، اما زبونی و عجز آن ها در رد دلایل دعوت به جایی رسیده است که از روی ظاهر جسمانی قضاوت می کنند و آن را ملاک حقانیت می پندارند.

سید احمد الحسن علیه السلام:

خداوند به فرعون مصر که کافر بود، رؤیایی وحی کرد که حضرت یوسف علیه السلام با استفاده از آن، اقتصاد حکومت را بنیان نهاد. (متشابهات، جلد ۴، ص ۱۴۵)



چقدر از راه خدا دورند این کسانی که همه چیز را در ظاهر می بینند و به دل پاک و شایسته نمی نگرند؛ دلی که حتی برای ظالمین به خود می سوزد و به غیر مؤمن به خود کمک می کند و خواهان رفاه در دنیا و رستگاری آنان در آخرت است.

پوست سیاه امام جواد (علیه السلام)

و قطعاً کسانی که ظاهر برایشان اهمیت دارد اگر در زمان امام جواد (علیه السلام) زندگی می کردند او را به خاطر ظاهر و رنگ پوستش رد می کردند؛ بخوانیم آنچه را که در کتاب کافی آمده است:

علی بن جعفر برای حسن بن حسین می گفت: «به خدا سوگند خدا حضرت رضا (علیه السلام) را یاری کرد.» حسن گفت: «آری به خدا قربانت گردم، همانا برادرانش نسبت به او ستم کردند.» علی بن جعفر گفت: «آری به خدا ماعموهایش هم به او ستم کردیم.» حسن گفت: «قربانت گردم، مگر شما چه کردید؟ زیرا من نزد شما نبودم.» گفت: «ما و برادرانش به او گفتیم: هرگز در میان ما خاندان، امامی که رنگش دگرگون [متفاوت] باشد، نبوده.» حضرت رضا فرمود: «او پسر من است.» (الکافی - ط الاسلامیه نویسنده: الشیخ الكليني جلد: ۱ صفحه: ۳۲۳)

شما می نگرد. پس هر که دلی پاک و شایسته داشته باشد، خداوند بر او مهربانی و رحم می کند.» (کنز العمال: ۷۲۵۸)

پس خدا به درون نگاه می کند؛ در قرآن کریم می خوانیم:

(ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بی تردید، خداوند دانای آگاه است).

(حجرات، ۱۳)

بله! ارجمندترین انسان ها نزد خدا کسانی نیستند که ظاهری زیبا و پوست سفید دارند! پیامبر اسلام فرمود:

«ای مردم! به درستی که پروردگار شما یکی است و پدر شما یک نفر است؛ پس فضیلتی ندارد عرب بر عجم و عجم بر عرب و سرخ پوست بر سیاه پوست، و سیاه پوست بر سرخ پوست، مگر به سبب تقوی و پرهیزکاری؛ چنان که باری تعالی فرمود: «ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست).

(معدن الجواهر، صفحه ۲۱)

پس آیا کسانی که خدایی اند به بیرون و جسم نگاه می کنند و از روی آن قضاوت می کنند؟ حاشاه! پس

باد داد.» (خطبه قاصعه)

بیاید آنچه را که مولا علی (علیه السلام) فرمودند بسط دهیم و این پرسش را مطرح کنیم که به راستی اگر حجت خدا پوستی سفید و چشمان آبی یا سبز و ظاهری همچون مدل ها داشته باشد، آیا امتحان برای مردمی که اکثراً نگاهشان به زیبایی ظاهری این زندگی دنیوی است، بسیار آسان نمی شد؟! بسیاری از افراد با چهره های زیبا میلیون ها نفر طرفدار دارند؛ حال اگر فرستاده ای با چهره ای زیبا مبعوث شود، امتحان قطعاً آسان تر می شود؛ اما باز هم نمی توان تعریفی مشترک از زیبایی ارائه کرد؛ چرا که هر کسی می تواند معیاری خاص برای آن داشته باشد.

نگریستن خدا به درون انسان یا جسم او؟

از اینان که به جسم و ظاهر می نگرند، می پرسیم که آیا می دانید خدا چگونه می نگرد؟

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «إِنَّ اللَّهَ - تَعَالَى لَا يَنْظُرُ إِلَى أَجْسَامِكُمْ، وَلَا إِلَى أَحْسَابِكُمْ، وَلَا إِلَى أَمْوَالِكُمْ، وَ لَكِنْ يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ، فَمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ صَالِحٌ تَحَنَّنَ اللَّهُ عَلَيْهِ» «خدای متعال نه به جسمتان نگاه می کند، نه به حسب و نسب شما و نه به دارایی هایتان؛ بلکه به دل های

سید احمد الحسن (علیه السلام):

خدا به حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) رؤیایی وحی فرمود که حضرت (علیه السلام) به وسیله آن دانست پس از او چه بر سر اهل بیتش می رود و به تسلط بنی امیه که لعنت خدا بر آنها باد بر امتش پی برد.

(متشابهات، جلد ۴، س ۱۴۵)

و همچنین در جلد اول کافی می خوانیم:

«... چون به متوکل [عباسی]، سم دادند، نذر کرد چنانچه بهبود یابد، «مال کثیری» را صدقه دهد؛ چون بهبود یافت، از فقها درباره اندازه «مال کثیر» پرسید، با هم اختلاف کردند، یکی گفت صد هزار، دیگری گفت ده هزار، و هرکس چیزی گفت، و امر بر متوکل مشتبه شد. صفعان، یکی از ندیمان او گفت: چرا سراغ این سیاه نمی فرستی تا از او پرسی؟ متوکل گفت: وای بر تو! چه کسی را می گویی؟! صفعان گفت: ابن الرضا...» (الكافي - ط الاسلامیة نویسنده:

الشیخ الكليني جلد: ۱ صفحه: ۴۶۳-۴۶۴)

نتیجه گیری

ای عزیزان مشخص شد که جسم و ظاهر و رنگ برای خدا و خلفای خدا هیچ اهمیتی ندارد؛ نزد او ظاهر نشان از الابدون مقام نیست؛ وگرنه مردمان فاسد و ظالمی که ظاهری زیبا داشتند و دارند و خون بی گناهان را ریخته اند یا در ریختن آن شریک بوده اند نزد خدا دارای مقامی والا بودند. ای عزیزان! نگذاریم ابلیس با قیاس و معادله ای باطل ما را از سجده به خلیفه زمان بازدارد؛ سربازان

ابلیس به خاطر تکبرشان از سجده خودداری می کنند و می خواهند به ایمان آوردن مجبور شوند؛ بنابراین اگر روزی امام احمد الحسن علیه السلام تصمیم گرفتند تصویری از خود منتشر کنند و نگرستیم که ایشان ظاهری زیبا و پوستی سفید و چشمانی مشکی ندارند، تعجب نخواهیم کرد؛ چراکه قرار نیست حجت خدا با ظاهر شناخته شود و آن شرط خلیفه خدا بودن نیست و راه شناخت را امامان بزرگوار پیشین بیان کرده اند و ظاهر جزو آن شروط نیست.



سید احمد الحسن علیه السلام:

رؤیا هیچ گاه از تمامی انبیای الهی، فرستادگان و اولیای خدای سبحان و متعال جدا نبوده است.

(تشابهات، جلد ۴، س ۱۴۵)

مراتب سه گانه تقوا چیست؟

بخشی از سخنرانی شیخ ناظم العقیلی در شب بیستم ماه رمضان

تقوا مراتبی دارد؛

تمامی دستاوردهای انسان‌ها در این زندگانی دنیا - خواه علم باشد، یا معرفت، یا عبادت، یا مال یا هر چیز دیگری - بر اساس استعداد و توان و تلاش و علم آن‌هاست؛ هنگامی که از تقوا و متقین سخن می‌گوییم، و هنگامی که به سراغ آیات قرآن و معنای تقوا در قرآن می‌رویم، یا آنچه خداوند در قرآن برای متقین مهیا نموده، و نیز بر اساس روایات، باید بدانیم که معنای تقوا یک معنای نسبی است؛ یعنی همان طور که در علم منطق تعبیر می‌کنند، یک مفهوم مشکک و دارای مراتب مختلف است، نه یک مفهوم متواطی و یکسان؛ بدین معنا که مردم در به دست آوردن تقوا و در آراسته شدن به آن متفاوت هستند؛ یعنی تقوا در میان همه مردم و همه مؤمنین و همه متقین معنای یکسانی ندارد؛ بلکه هر انسانی به اندازه استعداد و عمل و التفات و توجه به پروردگارش و معرفتش نسبت به خداوند، به میزانی از تقوا آراسته می‌شود؛ بنابراین مفهوم تقوا یا معنای تقوا از مفاهیم نسبی و مشکک است که در بین افراد مختلف متفاوت است.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام، ایشان سه مرتبه، یا سه نوع از مراتب و انواع تقوا را برای ما تبیین می‌کنند. مرتبه اول تقوای بالله و فی الله است (یعنی تقوا به وسیله خداوند و در راه خداوند)؛ این نوع از تقوا به معنای رها کردن امور حلال است چه رسد به موارد شبهه‌ناک. در این مرتبه که امام صادق علیه السلام آن را تقوای

خاص الخاص نامیده یعنی تقوای خواص خواص، یا خالصین خالصین، می‌فرماید این مرتبه، رها کردن امور حلال است چه رسد به موارد شبهه‌ناک؛ یعنی متقین در این مرحله که "تقوای بالله فی الله" است، نه تنها از موارد مشتبه و شبهه‌ناک دوری می‌کنند که دلیلی برای حرمت آن یا نارضایتی خداوند نسبت به آن وجود ندارد، بلکه حلال را هم ترک می‌کنند؛ یعنی پرهیز از زیاده روی در روی آوردن به حلال و غوطه‌ور شدن در کسب حلال؛ درست است که خداوند انسان را برای چیزهای حلال مؤاخذه و حسابرسی نمی‌کند، اما متقین در این مرتبه که تقوای فی الله بالله است و تقوای خواص خواص است (همان طور که امام صادق علیه السلام آن را نام نهاده)، می‌فرماید این ترک حلال است، نه به این معنا که انسان گرسنه بماند یا خانه و کسبی نداشته باشد؛ اما در همین اندازه هم تقوا پیشه می‌کند و راه دور و دراز نمی‌رود، و در مسئله کسب حلال هم بدون حد و مرز عمل نمی‌کند.

چون مسئله کسب به هر صورت که باشد، حتی اگر به صورت حلال باشد، اما انسان فرصت و توان مشخصی دارد، و به هر میزان که انسان این فرصت و توان را به جهتی معطوف کند، به همان اندازه در سایر جهات کوتاهی خواهد کرد؛ بنابراین وقتی بیشتر تلاش انسان در کسب حلال باشد، قطعاً از سهم مربوط به کسب علم و معرفت و طاعت کاسته خواهد شد و همین طور کارهای دیگر مثل برطرف ساختن نیاز

سید احمد الحسن علیه السلام:

رؤیا نشانه‌ای عظیم از آیات خدا و راهی است که خدای سبحان به وسیله آن با آن‌ها سخن می‌گوید.

(متشابهات، جلد ۴، س ۱۴۵)

این نیز کسب پسندیده است؛ چون کسب ناپسند بدین معناست که کسب حلال و غوطه ور شدن در کسب حلال به خاطر ذات و منیت و لذت‌ها و شهوات انجام شود... روایت امام صادق علیه السلام را به یاد می آورم که فرمود دو نوع دنیا داریم: دنیای ناپسند و دنیای پسندیده؛ به طور خلاصه معنای این حدیث همان معنایی است که در دیگر روایات وارده از اهل بیت آمده است که می فرماید آن دنیایی ناپسند است که در راه نافرمانی خداوند به خدمت گرفته شود و موجب دور شدن تو از خدا و از اطاعت او شود؛ اما دنیای پسندیده دنیایی

مؤمنین و جویاشدن حال فقرا و نیازمندان و مسائل دیگر.

البته گاه انسان بسیار زیاد به کسب حلال می پردازد، اما نه فقط به خاطر خودش، بلکه حلال را کسب می کند تا به وسیله آن، از حال فقرا و نیازمندان و یتیمان و بیوه زنان و نزدیکان و دوستانش جویا شود، یا دین خداوند سبحان را یاری دهد؛ چیزی که در بسیاری از آیات قرآن به آن اشاره شده و بلکه خداوند در قرآن کریم آن را بر جهاد با جان مقدم می کند: (باموالهم و انفسهم) (با مالشان و جانشان)



حتی مرتبه اول که تقوای خاص خاص است ممکن است دارای طبقات و درجات مختلفی باشد؛ همچنین مرتبه دوم یا همان تقوای خاص نیز دارای درجاتی است؛

اما این سه نوع اصلی است.

مرتبه سوم، تقوا از ترس آتش و مجازات است. در این مرحله صحبت از ترک حلال یا شبهات نیست؛ بلکه سعی و تلاش چنین انسانی نجات خویش است، به خاطر ترس از آتش و مجازات خداوند.

می فرماید پرهیز از حرام؛ یعنی چنین انسانی ممکن است امور شبههناک را انجام دهد اما اهتمام او در پرهیز از محرمات است.

امام صادق علیه السلام می فرماید این مرتبه پرهیز از حرام است که تقوای عام نام دارد. تقوای عام یعنی چه؟ یعنی تقوای عموم مردم.

یک مرتبه خاص خاص، یا خواص خواص داریم؛

و یک مرتبه خاص

و یک مرتبه عام

یعنی عموم مردم از آتش و عذاب خداوند پرهیز می کنند.

تقوای «خاص خاص» تقوا در پرهیز از حلال است، چه رسد به شبهه؛

تقوای «خاص» در پرهیز از شبهات است چه رسد به حرام؛

تقوای «عام» نیز تقوا به جهت ترس از آتش و مجازات الهی است.

این مراتب سه گانه ای است که امام صادق علیه السلام تبیین فرمود.

است که با کمک آن برای طاعت خداوند و اموری که مورد رضایت اوست تقویت شوی؛ یعنی تو کار و تلاش می کنی و دسترنجی داری اما حاصل آن یاری دین خداست، یا انفاق به خانواده با نیت نزدیک شدن به خداوند، یا انفاق به نزدیکان یا دوستان یا نیازمندان و یتیمان و بیوه زنان، یا دیگر مصادیق کار خیر... پس این دنیای پسندیده است.

برمی گردیم به نوع اولی که امام در باب مراتب تقوا از آن سخن گفت؛ فرمود «تقوا بالله فی الله» که ترک حلال است چه رسد به ترک موارد شبههناک، و در این مرتبه خواص خواص هستند که از مسئله ترک شبهات فراتر رفته اند و به مرحله ترک حلال رسیده اند؛ می فرماید این به خواص خواص اختصاص دارد.

امام صادق مرتبه دوم از مراتب تقوا را چنین عنوان می کند: «تقوا من الله» «تقوا از خداوند» با پرهیزکاری از شبهات چه رسد به حرام، یعنی یک مرتبه پایین تر آمد. در مرتبه اول پرهیز از موارد حلالی بود که غیر ضروری است و به امور شبههناک نمی رسید، اما در مرتبه دوم مسئله به شبهات می رسد، یعنی به مرز شبهات می رسد اما در آن نمی افتد؛ پرهیز از شبهات چه رسد به حرام، یعنی انسان در این مرتبه اصلاً کار حرام به ذهنش خطور نمی کند یا به کسب آن اهتمام ندارد؛ بلکه به پرهیز از شبهات مشغول است؛ یعنی امر فقط دایره مدار حلال و اشتغال به حلال است، اما حرام در این مرحله به طور کلی منتفی است.

این مرتبه «تقوا من الله» است؛ یعنی پرهیز از شبهات چه رسد به حرام؛ و این، مرتبه دوم است که تقوای خاص نام دارد؛ مرتبه اول تقوای خاص خاص بود؛ اما مرتبه سوم، تقوا از ترس آتش و عقوبت است؛ این آخرین مرتبه است.

طبیعتاً هر مرتبه هم می تواند دارای مراتبی باشد؛ یعنی

سید احمد الحسن علیه السلام:

پیامبر صلی الله علیه و آله برای رؤیا اهمیت بسیار زیادی قائل بود؛ به گونه ای که هر روز پس از نماز صبح روبه صاحبش می کرد و از آن ها می پرسید: «آیا بشارت دهنده هایی دارید؟ آیا رؤیایی دیده اید؟».

(متشابهات، جلد ۴، س ۱۴۵)

راهکارهای امرونی کودک در کلام اهل بیت (علیهم السلام) و فرستاده امام مهدی سید احمد الحسن (علیه السلام)

یکی از فرائض مؤثر در دین اسلام، فریضه امر به معروف و نهی از منکر است که می تواند راهگشای خوبی در مشکلات جامع قرار بگیرد. این امر در منش اهل بیت، در مقابل ظلم ظالم و در مسائل عبادی به وفور دیده می شود. در این میان خانواده که در همه حال در تلاش است که خوبی ها را به کودک خود آموزش دهد و بدی ها را از او دور کند می تواند از مسئله امر به معروف و نهی از منکر در تربیت کودک خویش بهره مند گردد.

کامپیوتری و نظایر آن ها، بر والدین واجب است که مراقب فرزندانشان باشند و آن ها را از امور فاسدکننده بازدارند؛ مثلاً وقتی بچه برای بازی به سراغ اینترنت می رود باید زیر نظر والدینش باشد، ولی جایز نیست که او را از بازی یا کارهای کودکانه بازدارند؛ چراکه این کار در بزرگسالی تأثیراتی به دنبال خواهد داشت. به علاوه بعضی از بازی ها جنبه آموزشی دارند. می توان کودک را به سمت بازی های مفید هدایت و تشویق کرد؛ مثلاً می توان او را به بازی های فکری یا بازی های حل معماهای هندسی یا شبیه آن ها تشویق نمود. بسیاری از کودکان چنین توانایی هایی را دارند و این کار در نهایت منجر به تکامل گسترده قدرت عقلی آن ها می شود. به علاوه این بازی ها می توانند باعث بازداشتن نوجوانان از فکر کردن به امور فاسد دیگر شود.

پیامبر فرمودند انسان بر فطرت سلیم خلق شده است؛ پس در مبحث تربیتی کودک، پدر و مادر با توجه به ظرفیت شخصی کودک به تدریج بر امرونی کودک خویش گام بردارند. والدین باید بدانند که امرونی کودک ظرافت خاصی دارد؛ چراکه امرونی مداوم اعتماد به نفس کودک را خدشه دار می کند و باعث لجباجت کودک می شود. والدین فهمیم می دانند اگر کودک خود را غرق در محبت کنند و او را مورد احترام قرار بدهند، امرونی شان نیز کارآمدتر می شود. در این میان امرونی باید واقعی، به جا و لازم باشد.

در اینجا به کلامی از امام احمد الحسن یمانی موعود و فرستاده امام مهدی اشاره می کنم:

«تربیت صحیح، واجبی است که والدین متحمل آدای آن هستند. درباره اموری مثل بازی یا مشاهده تلویزیون یا حتی اینترنت و بازی های

بهترین امر به معروف و نهی از منکر آن است که انسان ابتدا خود را مخاطب اوامر و نواهی خویش گرداند، تا بتواند به صورت عملی مؤید اندرزهای خویش باشد.

امام صادق (علیه السلام) در خصوص امر به معروف و نهی از منکر می فرمایند:

«إِنَّمَا يَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ مَنْ كَانَتْ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ : عَامِلٌ بِمَا يَأْمُرُ بِهِ وَتَارِكٌ لِمَا يَنْهَى عَنْهُ، عَادِلٌ فِيمَا يَأْمُرُ عَادِلٌ فِيمَا يَنْهَى، رَفِيقٌ فِيمَا يَأْمُرُ وَرَفِيقٌ فِيمَا يَنْهَى» [۱]

کسی باید امر به معروف و نهی از منکر کند که سه خصوصیت داشته باشد؛ اول به آنچه فرمان می دهد خود عمل می کند و آنچه را که نهی می کند خود نیز ترک گوید و در امرونی خود عدالت را رعایت کند و سوم در امرونی خویش طریق ملائمت و نرمی را در پیش بگیرد.

سید احمد الحسن (علیه السلام):

چه رحمت عظیمی است که حجت بین مردم (ظاهر) باشد؛ چراکه باب عظیمی گشوده می شود؛ بابتی که انسان با صله امام (علیه السلام) به خداوند قرض می دهد و روز قیامت در پیشگاه خدا می ایستد و خداوند این قرض را تمام و کمال به او باز می گرداند.

(متشابهات، جلد ۴، س ۱۵۰)



خواندن امور دینی‌شان و اطلاع از جزئیاتش به آن احتیاج دارند صرف کنند و گمان نمی‌کنم کار مشکلی باشد؛ زیرا در زمانه ما کتاب‌ها و روش‌های آموزش اینترنتی به وفور یافت می‌شود و دسترسی به آن‌ها به آسانی امکان‌پذیر است. [۲]

در این کلام نورانی نکات ارزشمندی یافت می‌شود:

۱. نهی از امور فاسدکننده

۲. عدم نهی کودک در بازی‌های

کودکانه

۳. امر به بازی‌های مفید و سازنده

۴. امر به تحقیق، متناسب سن کودک

۵. امر به امور دینی و تشویق مؤثر

در این باره

۶. امر به برنامه‌ریزی کودک و نهی از

فوت وقت

۷. امر به برنامه‌هفتگی

...

در پایان به این نکته اشاره می‌کنم که سرمایه‌گذاری در امر ونهی به موقع در دوران کودکی و نوجوانی باعث می‌شود تا هزینه گزاف ترویج معروف و نهی از منکرات در بزرگسالی پرداخت نشود.

منبع

۱. بحار الانوار ج ۹۷، ص ۹۱

۲. پاسخ‌های فقهی، ج ۳، سؤال ۱۴۸

حضور ملائکه‌اش از تو یاد می‌کند. همچنین می‌توانید برنامه روزانه برای آن‌ها تنظیم کنید؛ مثلاً یک ساعت یا نصف ساعت برای حفظ سوره‌های کوچک قرآن؛ به این صورت که هر روز آن‌ها به دنبال شما بخوانند و به مرور سوره‌ها را حفظ خواهند کرد.

برای کودکان بالای ده سال برنامه هفتگی تنظیم کنید؛ مثلاً سه یا چهار روز اجازه بازی نداشته باشند و حتی اگر به آن‌ها اجازه ورود به اینترنت یا سرگرمی‌های غیردرسی می‌دهید برای امور علمی یا تاریخی یا خواندن کتاب یا خواندن موارد مخصوص درسی‌شان یا خواندن داستان‌های انبیا و ائمه علیهم‌السلام و شبیه آن‌ها باشد. به این ترتیب با توجه و تنظیم زمان آن‌ها نتیجه خوبی از آن‌ها حاصل می‌شود؛ اما با کوتاهی کردن، چه بسا منحرف شوند و شما زیان ببینید و در این صورت، زیان شما بزرگ خواهد بود. متأسفانه بسیاری از پدران مهاجر که دور از سرزمین‌های عربی زندگی می‌کنند با کوتاهی کردن در آموزش دادن آن‌ها به زبان عربی و خواندن و نوشتن آن، در حق فرزندان خود بدی می‌کنند؛ در حالی که آن‌ها می‌توانند هر روز ساعتی از وقتشان را برای آموزش دادن فرزندان خود به زبان عربی که در

می‌توان به کودک یا نوجوان، تحقیق کردن را آموخت تا یاد بگیرد و توانایی‌هایش ارتقا یابد. والدین می‌توانند او را به تحقیق درباره مباحث معین علمی یا مسائل مربوط به زندگی روزانه یا تاریخی تشویق کنند؛ اما در خصوص امور دینی، به عنوان مثال کودک را به بیشتر از نماز جماعت همراه با والدینش وادار نکنید. آرام آرام او را تشویق کنید که دو رکعت نماز به تنهایی بخواند و در آن برای رفع نیاز معینی دعا کند و هنگامی که احساس کند نیازش برآورده شده است، ارتباطش با خدا قوی می‌شود و ایمان آرام آرام در قلبش رسوخ می‌کند.

خدا را در همه چیز به یاد آن‌ها بیاورید. هنگامی که با هم درگیر می‌شوید به عنوان مثال به یکی از آن‌ها بگویید: با برادر یا خواهرت به نرمی رفتار کن تا خداوند تو را مثل انبیا سلام و صلوات خداوند بر آن‌ها قرار دهد؛ و این گونه اخلاق پاک را در جان‌هایشان زنده و در عین حال کمال‌طلبی را نیز برایشان احیا کنید.

اگر یکی از آن‌ها کار خوبی کرد به عنوان مثال نماز خواند یا طاعتی انجام داد به او تبریک و سخن نیکو بگویید و بگویید: خداوند به تو عطا می‌کند، تو را مبارک می‌دارد و در

سید احمد الحسن علیه‌السلام :

دنیا و آخرت دو مسیر متفاوت‌اند؛ این، رو به مشرق دارد و آن، رو به مغرب. کسی که به یکی روی آورد، دیگری را پشت سر خود نهاده است؛ و این دو در چشم انسان و در قلب انسان با هم جمع نمی‌شوند.

(متشابهات، جلد ۴، ص ۱۶۵)



جدول

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
															۱
															۲
															۳
															۴
															۵
															۶
															۷
															۸
															۹
															۱۰
															۱۱
															۱۲
															۱۳
															۱۴
															۱۵

سید احمد الحسن (علیه السلام):

حب و دوستی دنیا و حب آخرت در قلب انسان جمع نمی شوند؛ و چگونه باهم جمع شوند حال آنکه به خدا سوگند دنیا در نظر خدا به اندازهٔ بال پشه ای ارزش ندارد که اگر برای او قدر و قیمتی داشت، کافر در آن جرعه آبی نمی نوشید.

(متشابهات، جلد ۴، س ۱۶۵)

افقی:

- ۱- میلاد سید احمد الحسن علیه السلام در این روز است -
 - ۲- دوازدهمین ماه قمری
 - ۲- دشت عربی - از فرقه های شیعه که اکنون وجود ندارند - شامل همه
 - ۳- از اقوام ایرانی - کمک الهی را می گویند - متضاد ایمان
 - ۴- اصطلاحی برای محیط پیرامون و امواج - یک دفعه خودمانی - تقویم اسلامی بر این اساس است.
 - ۵- برای من عربی - از بخش های خانه - منتقل کننده حدیث
 - ۶- رهایی بخش - همراه عربی - محتوای نوشته
 - ۷- پرنده نماد سعادت در قدیم - توانگر و قادر - همه منتظر این امر برای امام مهدی علیه السلام هستیم
 - ۸- بهشت در اسطوره گیلگمش - ابزار پرواز پرنده
 - ۹- رقم اول - نامی برای سرزمین سومریان - پیشوا و رهبر عربی - برای خدا
 - ۱۰- احسن القصص داستان اوست - ماه انگلیسی - هدایتگرترین در عربی
 - ۱۱- شبکه جهانی ارتباطات الکترونیک - کمک و یاری رسان - دعوت کننده - یونس علیه السلام را از آن نجات دادند!
 - ۱۲- ذرات دارای بار الکتریکی - ضمیر جمع مؤنث در عربی
 - ۱۳- آخرین روز ماه رمضان - فراتر از امور محتوم - آخرین سوره قرآن
 - ۱۴- روز حج اکبر انجام می دهند - محبت عربی - جمع نیست
 - ۱۵- از شهرستان های استان فارس - لوله غذا بر - اسم اعظم اعظم اعظم
- ۱- ویژگی خاص یمانی ع - مخلوق اول
- ۲- مؤسسه فرهنگی رسانه ای فارسی زبانان - می بیند عرب
- ۳- دهان کسی را بستن در عرب - برخاست به عربی - پشت کرد عربی
- ۴- از اسماء خمسه و به معنی دارا - همراه کافی می آید - تک و یگانه
- ۵- از تو عربی - بعد از عطا نباید گذاشت
- ۶- از مسائل مهم هر جامعه - از شخصیت های مهم اساطیر سومری
- ۷- قوم حضرت هود علیه السلام - نام وصی امام زمان علیه السلام - قلعه در فارسی کهن - فرزند حضرت زینب س و از شهدا کربلا
- ۸- امور حساس و ریز - شریک مرد - خاطره
- ۹- تعداد رکعات نماز روزانه - اصل - همراه آتش
- ۱۰- از صفات مؤمن - اعتقاد و یقین - تلخ عرب
- ۱۱- ابزار هوش - از ابزارهای نوشتن - انکار کردن
- ۱۲- برخیز البته مؤنث در عربی - ترجیح دیگری بر خود
- ۱۳- از مؤلفه های سه گانه قانون معرفت حجت - هر صد سال را می گویند
- ۱۴- نام امام ششم علیه السلام - اثر رطوبت - نیش خوردن در عربی
- ۱۵- باجناغ - از عبادات مهم و از فروع دین
- پاسخ این جدول در شماره آینده منتشر خواهد شد.

سید احمد الحسن علیه السلام:

دنیاخواهی به چیزی جز نیت و روی گردانی از آخرت نیاز ندارد.

(متشابهات، جلد ۴، س ۱۶۵)



واجبات رکنی نماز



نیت، تکبیرة الاحرام، قیام، رکوع و دو سجده

تلفظ کردن شرط نیست.

واجب است پس از تکبیرة الاحرام شش تکبیر دیگر نیز بگویند و به این ترتیب تکبیرهای واجب هفت تا می شوند که اولی تکبیر شروع نماز است.

نشستن روی صندلی بهتر خواهد بود.

سجده گاهش را بالا بیاورد و اگر توانایی این کار را هم نداشته باشد به سجده اشاره کند.



واجبات رکنی نماز کدام اند؟

آیا لازم است نیت را تلفظ کند و به زبان بیاورد؟

آیا بعد از تکبیرة الاحرام تکبیرهای واجب دیگری هم هستند؟ و کدام تکبیر شروع نماز محسوب می شود؟

کسی که از نماز ایستاده عاجز شود و وادار به یکی از دو حالت «نشستن روی زمین» یا «نشستن روی صندلی» شود کدام یک بهتر خواهد بود؟

کسی که توانایی سجده نداشته باشد باید چه کار کند؟

سید احمد الحسن علیه السلام:

همواره پیامبران، اوصیا و انصار آنها درست مانند کم بودن ستارگان در آسمان جسمانی اندکند.
(متشابهات، جلد ۴، س ۱۷۵)





حقیقت نیت، حاضر کردن صفت نماز در ذهن و قصد کردن چهار چیز است: واجب بودن یا مستحب بودن، قربت، معین کردن نماز، ادا یا قضا بودن.

مثلاً اگر بخواند نماز صبح را به جا آورد و نیتش صحیح باشد، باید در ذهنش این را حاضر گرداند که می خواهد نماز بخواند، نه کار دیگر مثل حرکات ورزشی یا ایستادن و نشستن و خم شدن. پس از حاضر کردن صفت نماز در ذهن مسائل چهارگانه زیر را قصد کند:

۱- اینکه می خواهد نماز واجبی را که بر گردنش است بخواند و نه مستحب.

۲- آن را به قصد قربت و نزدیک شدن به خداوند متعال انجام می دهد نه به منظوری دیگر.

۳- می خواهد نماز صبح را به جا آورد نه سایر نمازهای واجب را.

۴- و می خواهد آن را به صورت ادا به جا آورد نه به صورت قضا.

حقیقت نیت چیست؟

کمترین ذکر برای شخصی که اختیار دارد یک تسبیح کامل است یعنی «سبحان ربی العظیم و بحمده» یا «سبحان ربی العلی و بحمده» یا سه بار بگوید «سبحان الله»؛ و در صورت ضرورت، گفتن یک تسبیح کوچک کافی است (یعنی سبحان الله).

کمترین مقدار ذکر در رکوع چیست؟

مکروه است که در حال رکوع، دست هایش زیر لباسش باشد.

در رکوع چه چیزی مکروه است؟

سید احمد الحسن علیه السلام:

آخرت خواهی نیازمند ایمان به بزرگترین ولی خدا و حجت خدا در هر زمان است و مستلزم کار و تلاش همراه با ولی خدا و حجت بر مردم در هر زمان است.

(متشابهات، جلد ۴، س ۱۶۵)





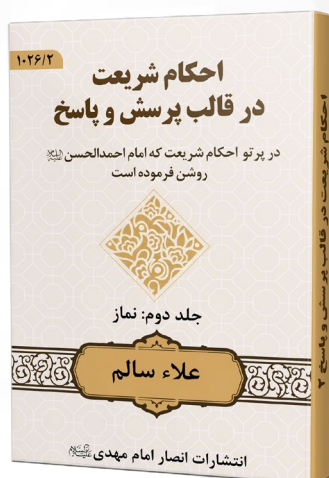
با خلل وارد شدن به صورت سهوی به یک سجده نماز باطل نمی شود.

در صورتی که به طور سهوی در یک سجده از یک رکعت خللی وارد شود آیا نماز باطل می شود؟

- حفره ای در محل سجده ایجاد کند تا بخش سالم پیشانی اش بر زمین قرار گیرد.
- بر یک طرف پیشانی اش سجده نماید (یک طرف پیشانی یعنی کنار پیشانی که نزدیک کجی پیشانی قرار دارد).
- بر چانه اش سجده کند (چانه یعنی جایی که ریش و محاسن جمع می شود).

- کسی که مانعی برای قراردادن پیشانی اش بر زمین دارد مثل دُمَل (زخم) اگر تمام پیشانی اش را نپوشانده باشد چگونه سجده کند؟
- اگر این کار بر او سخت باشد چه کند؟
- اگر در دو طرف پیشانی چیزی مانع از سجده باشد چه کند؟

سید احمد الحسن علیه السلام، احکام شریعت در
قالب پرسش و پاسخ، جلد دوم، نماز



سید احمد الحسن علیه السلام :

چه بسیار است تاریکی در آسمان و چه اندک است ستارگان در قیاس با بخش تاریک؛ همان گونه که در زمین چه اندک اند پیامبران و چه بسیارند کسانی که با آنها مخالفت ورزیدند، جنگ کردند، از آنها روی گردان شدند و یاری شان نکردند.

(متشابهات، جلد ۴، س ۱۷۵)

حُسْنِ تَمَامِ انبیا

قدِ عمرم گر هزاردهم شود ناکافی است تا بخواهم خیزم از جبرانِ تنهاییِ تو
من خدا باید شوم، نقاشِ مطلق در جهان تا زخمِ نقشی مگر از خیلِ زیباییِ تو
سال‌های سال لازم بود تا معنا کند شدتِ شوقِ تو با لاهوت و شیداییِ تو
عمقِ اخلاصِ فزونِ سجده‌های آخرت شد دلیلِ بر عروج و رفعِ رؤیاییِ تو
مسجد سهله شهادت می‌دهد بر آن عروج چون که خود شد محبوبِ تهلیلِ یکتاییِ تو
در فزونِ نور اندر نور، نورِ فوقِ نور روزِ بینِ خلق گشته، نورافزاییِ تو
با تماشای تو گوئی در تماشای خداست قلبِ مجنونم بر آن مهتابِ سیماییِ تو
پرده از روی تو شد پنداشت ربِ عالمی آن حنیفِ ذوب‌گشته پیشِ آقاییِ تو
این زمان بالاترین‌ها در نَزَل می‌شود نیست و الا بنده‌ای تا هست و الاییِ تو
مهدی ای مجموعه‌ی حُسْنِ تَمَامِ انبیا گوشِ دل کی پر شود از خطبه‌زهراییِ تو؟
کوزِ عقلم و به دست عقل داده دست خود تا مگر احمد گذارد، دستِ عذرائیِ تو



مهم ترین خبر جهان!

سید احمد الحسن علیه السلام ظهور کرد

ای یهودیان! فرستاده ایلیا آمده است.

ای مسیحیان تسلی دهنده و فرستاده مسیح آمده است.

ای عزیزان اهل سنت! آن مهدی که در آخرالزمان متولد

می شود، اکنون در میان ماست.

ای شیعیان و دوستداران اهل بیت علیهم السلام فرستاده امام مهدی

و دعوت کننده به سوی او، یمانی موعود، سال هاست که

منتظر شماست.

ای تمام آزاداندیشان و اهل علم در زمین! خلیفه خدا با

سندی از علم و شگفتی ها آمده است.